Iranian History of Culture (IHC)

https://ihc.tabrizu.ac.ir/2, 2, 2025, 163-181. doi: 10.22034/IHC.2025.69140.1092

University of Tabriz publications

OPEN ACCESS

Original Article

An Anthropological Perspective on the Talesh Ethnic Lifestyle and Its Course of Change and Evolution

Nahid Ghavami Masouleh[1], Vahid Rashidvash[2*], Yaghoub Sharbatian[3], Habibollah Karimian[4]

1. *Ph.D. Studentof Anthropology, Department of Social Sciences, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran*
2. *Department of Social Sciences, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran*
3. *Department of Sociology , Garmsar Branch, Islamic Azad University, Garmsar, Iran*
4. *Department of Sociology, Garmsar Branch, Islamic Azad University, Garmsar, Iran*
5. *

Received: 2025/07/*21* **Received in revised form:** 2025/08/**19** **Accepted**: 2025/09/**20** **Published:** 2025/09/23

Abstract

The purpose of this article is to conduct an anthropological study of the Talesh ethnic lifestyle and its course of change and evolution. The main paradigm of this article is centered on interpretivism. The approach in this article is qualitative and inductive logic is used. This research is classified in the basic research group in terms of its purpose. The population studied in this article is the people of Hashtpar city of Talesh, who were studied in 1402-1403. The researcher interviewed 31 people. The method of collecting information in this research is a combination (documentary and field method). In this article, Pierre Bourdieu's theory has been used to classify and analyze data. The findings of this study indicate that along with the change in the way of migration and settlement of the Talesh people, there have also been changes in the lifestyle of this people. For example, the place of residence has changed from tents to thatched, straw and wooden houses in villages and today in a modern form with new materials in urban society, and along with the change in the form of housing, changes and developments have taken place inside the houses and the place of residence. And this has also had an effect on their cultural and social relations. The results of this study revealed that although many of these people no longer migrate today and have settled in one place and become so-called Takhteghapu, the culture of migration and nomadism still plays a role in their current lives. In summary, it can be said that living in complexes and apartments and being in urban society has changed many of the customs and culture of the Talesh people.

Keywords: anthropology, lifestyle, Talesh people, tribes and nomads

Cite as: Nahid Ghavami Masouleh, Vahid Rashidvash, Yaghoub Sharbatian, Habibollah Karimian An anthropological perspective on the Talesh ethnic lifestyle and its course of change and evolut. Iranian History of Culture. 2025; 2(2): 163-181

Owner and Publisher: University of Tabriz
Journal ISSN (online): 3060-8066
Access Type: Open Access
DOI: 10.22034/IHC.2025.69140.1092

*Corresponding Author: Department of Social Sciences, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

ناشر: دانشگاه تبریز

تاریخ فرهنگ ایران

https://ihc.tabrizu.ac.ir/2, 2, 2025, 163-181. doi: 10.22034/IHC.2025.69140.1092

OPEN ACCESS

مقاله پژوهشی

نگرشی مردم شناختی بر سبک زندگی قوم تالش و سیر تغییر و تحول آن

ناهید قوامی ماسوله[۱*]، وحید رشیدوش[۲]، یعقوب شربتیان[۳]، حبیب الله کریمیان[۴]

۱. دانشجوی دکتری مردم شناسی، گروه علوم اجتماعی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
۲. گروه علوم اجتماعی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
۳. گروه جامعه شناسی، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار ، ایران
۴. گروه جامعه شناسی، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار ، ایران

دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۳۰ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۵/۲۸ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۲۹ انتشار: ۱۴۰۴/۰۷/۰۱

چکیده

این مقاله بررسی مردم‌شناختی سبک زندگی قوم تالش و سیر تغییر و تحول آن است. پارادایم اصلی این مقاله بر محوریت تفسیرگرایی قرار گرفته است. رویکرد این مقاله کیفی، از منطق استقرایی است. هدف تحقیق بررسی و تغییرات آداب و رسوم قوم تالش در گذر زمان است. روش‌گردآوری اطلاعات در این تحقیق ترکیبی است (روش اسنادی و میدانی) و از نظریه پیر بوردیو جهت طبقه‌بندی و تحلیل داده‌ها استفاده شده است. یافته‌های این تحقیق حاکی از آن است که به همراه تغییر در شیوه کوچ و اسکان قوم تالش، تغییراتی در سبک زندگی این قوم به‌عمل آمده است. این تغییرات شامل محل سکونت از چادر به خانه‌های کاه‌گلی، پوشالی و چوبی در روستاها و امروزه به شکل ساختمان‌های مدرن با مصالح جدید در جامعهٔ شهری تغییر نموده و به همراه تغییر در شکل مساکن، تغییر و تحولاتی در داخل خانه‌ها و محل سکونت صورت گرفته است. این موضوع در روابط فرهنگی اجتماعی نیز نیز اثرگذار بوده است. نتایج این تحقیق مشخص نمود گرچه بسیاری از این اقوام امروزه دیگر کوچ نمی‌کنند و در یکجانشین یا اصطلاحاً تخته قاپو شده‌اند اما فرهنگ کوچ و کوچ نشینی در زندگی امروزهٔ آنان هنوز هم نقش دارد. در مجموع می توان گفت؛ زندگی در مجتمع‌ها و آپارتمان‌ها و حضور در جامعه شهری بسیاری از آداب و رسوم و فرهنگ قوم تالش را تغییر داده است.

کلیدواژه‌ها: مردم شناختی، سبک زندگی، قوم تالش، ایلات و عشایر

نحوه ارجاع: " **نگرشی مردم شناختی بر سبک زندگی قوم تالش و سیر تغییر و تحول آن** ". تاریخ فرهنگ ایران. ۱۴۰۴: ۲(۲)،۱۶۳-۱۸۱.

صاحب امتیاز و ناشر: دانشگاه تبریز

شاپای الکترونیکی: ۸۰٦٦-۳۰٦۰

نوع دسترسی: آزاد

DOI: 10.22034/IHC.2025.69140.1092

*: نویسنده مسئول: گروه علوم اجتماعی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران Vah.rashidvash@iauctb.ac.ir

تاریخ فرهنگ ایران
ناشر: دانشگاه تبریز
https://ihc.tabrizu.ac.ir/2, 2, 2025, 163-181. doi: 10.22034/IHC.2025.69140.1092

مقاله پژوهشی
OPEN ACCESS

مقدمه

سبک زندگی اصطلاحی است که در اصل از سوی آلفرد آدلر برای اشاره به ویژگی اصلی شخصی، آن‌گونه که در ابتدای دوران کودکی شکل گرفته و حاکم بر واکنش‌ها و رفتارهای اوست به کار می‌رود. سبک زندگی در معنای امروزی خود، حدوداً به یک قرن پیش باز می‌گردد. آلفرد آدلر، این بحث را برای نخستین بار مطرح کرد و سپس افراد دیگری بررسی این موضوع را دنبال کردند. به تدریج این بحث، سازمان یافته‌تر و دقیق تر شد. البته چنین نیست که بشر تا پیش از آنکه آدلر این مفهوم را عنوان کند، سبک زندگی نداشت؛ بلکه چه افراد دین دار و مذهبی و چه افراد غیر مذهبی، همگی دارای نوعی زندگی بوده‌اند. سبک زندگی در معنای امروز، همان آداب و آئین زندگی است. در واقع سبک زندگی، همواره در زندگی همه انسان‌ها وجود داشته است. سبک زندگی، هم جنبه فردی و هم جنبه اجتماعی دارد. سبک زندگی در شکل فردی، شامل سبک پوشش و آرایش، تغذیه، نوع مسکن و... یک فرد یا یک قوم می‌باشد. سبک زندگی، به‌طور معمول برخاسته از فرهنگ و ایدئولوژی‌هاست. سبک زندگی را نباید تنها در وجه فردی خلاصه کرد؛ بلکه یک وجه اجتماعی نیز دارد که اهمیت آن بیشتر از وجه فردی است. وجه فردی تا حدودی تابع وجه اجتماعی است. در بخش فردی، به مباحث روان شناسی و امور انسانی به صورت فردی توجه می‌شود و در وجه اجتماعی، الگوها شکل می‌گیرند (معلمی، ۱۴۰۰: ۶۰).

سبک زندگی به بیان ساده، شیوه زندگی است و دال بر الگوهای فردی مطلوب از زندگی، که جهان بینی، نگرش‌ها و ارزش‌ها، عادات، وسایل زندگی و همچنین الگوهای روابط اجتماعی، اوقات فراغت و مصرف را در برمی‌گیرد. سبک زندگی اغلب "بیانگرانه" است. شخص خود را از طریق سبک زندگی به جهان پیرامونش معرفی می‌کند. این بدان معناست که سبک زندگی از طریق چهره‌ها (انتخاب لباس‌ها و رفتارها)، اعمال و کردارها (انتخاب فعالیت‌های فراغتی)، یا انتخاب وسایل زندگی و حتی انتخاب دوستان بیان می‌شود (الهی خراسانی،۱۳۹۷: ۲۳).

در فرهنگ آکسفورد سبک زندگی این‌گونه تعریف شده است: "سبک زندگی شیوه‌ای است که افراد بدان گونه زندگی می‌کنند به عبارت دیگر نحوه‌ی زندگی افراد و به ویژه گروه‌های مردمی‌که معمولاً افراد بدان صورت زیست می‌کنند (Cambridge dictionary:2023). از سالیان سال تا به حال تغییرات در سبک زندگی در میان همهٔ اقوام و ملل بصور گوناگون بوجود آمده و این تغییرات در میان مردم ایران زمین چه روستایی و ایلیاتی و چه مردم شهرنشین هم به چشم می‌خورد و این امر در مورد مردمان قوم تالش استان گیلان نیز قابل تسری است موضوعی که اساس این مقاله را به خود اختصاص داده است.

قوم تالش از دو بخش کلی کوه نشین و جلگه نشین تشکیل شده است. بخش کوه نشین در برگیرندهٔ دو گروه اصلی شغلی دامدار کوچنده و چند پیشهٔ اسکان یافته، و بخش جلگه نشین دو گروه اصلی شهرنشین و روستانشین است. شهرنشینان در صنعت، خدمات، تجارت و کار در ادارات و شرکت‌ها اشتغال دارند و بیشتر آنها قطعه زمینی هم برای کشت برنج در روستاها و حاشیهٔ شهرها دارند. گروه روستانشین عموماً در زمینهٔ کشت برنج و اموری جنبی مانند باغداری، زنبورداری، پرورش ابریشم و طیور فعالیت می‌کنند. در این مقاله سعی شده است تا سبک زندگی هر سه گروه شهر نشین، روستایی و جامعه ایلاتی تالش مورد بررسی قرار گیرد.

سبک زندگی الگویی از رفتارهای فردی و جمعی است که در عرصه خاصی از زندگی به‌صورت نمادین بروز می‌کند و بر حول محورهای مصرف، اصول اخلاقی، ارزشی و زیباشناختی معطوف است (وبلن، ۱۳۸۳: ۱۳) یا مجموعه‌ای از عوامل زیبایی

تاریخ فرهنگ ایران
ناشر: دانشگاه تبریز
https://ihc.tabrizu.ac.ir/2, 2, 2025, 163-181. doi: 10.22034/IHC.2025.69140.1092

مقاله پژوهشی
OPEN ACCESS

از قبیل سن، درآمد، جنسیت و جغرافیا انسجام می‌یابد. همچنین مستلزم عنصر انتخاب از میان عناصر متنوع و گوناگون ناشی از دنیای جدید و مدرنیته می‌باشد.

سبک زندگی جایگزین طبقه اجتماعی می‌باشد. در این فرمول بندی سبک زندگی نه راهی برای تعیین طبقه اجتماعی، بلکه شکل اجتماعی نوینی دانسته می‌شود که تنها در متن تغییرات مدرنیته و رشد فرهنگی مصرف گرایی معنا می‌یابد. در این معنا سبک زندگی راهی است برای تعریف ارزش‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای (هویت) افراد که اهمیت آن برای تحلیل‌های اجتماعی روز به روز افزایش می‌یابد (رحمانی، سهرابی، ۱۳۹۲: ۱۹).

سبک زندگی منعکس کنندهٔ ترجیحات افراد است که در عرصه‌های مختلف زندگی همچون اوقات فراغت، آداب سخن گفتن، نوع موسیقی، لباس، آرایش و ظاهر بروز می‌کند (افراسیابی و مرادی فر، ۱۳۹۴:۷۷).

در دیدگاه بوردیو سبک زندگی مهم‌ترین نشانه تمایز فرهنگی در میان جوامع بشری است. این مفهوم ذیل گفتمان تجدد مطرح شده و نظام‌واره رفتار بیرونی افراد، خانواده‌ها و جوامع را با هویت متمایز شکل می‌دهد. نظام‌واره سبک زندگی تعیین‌کننده کم و کیف باورها، ارزش‌ها، اغراض، نیات، معانی و تفاسیر افراد در اعمال روزمره است.

تمایزی که "چنی" بین سبک‌های زندگی و روش‌های زندگی می‌گذارد برای تفسیر او از سبک زندگی بسیار مهم است. بر همین مبناست که چنی استدلال می‌کند که سبک‌های زندگی "برنامه‌های خلاقی" هستند که بر پایه "نمایش توانش و صلاحیت مصرف کننده" استوارند، درحالی‌که روش‌های زندگی نوعاً به اجتماع کم و بیش پایداری تعلق می‌گیرند و در شکل‌هایی هم‌چون هنجارها و مناسک مشترک، و الگوهای نظم اجتماعی و شاید گویش جداگانه‌ای، به نمایش درمی‌آیند (بنت، ۱۳۹۸: ۱۰۲).

از دیگرسوی ارزش یکی از مؤلفه‌های بنیادین فرهنگ به حساب می‌آید. زیرا فرهنگ از ارزش‌های اعضای یک گروه، هنجارهایی که از آن پیروی می‌کنند و کالاهای مادی که تولید می‌کنند، تشکیل می‌شود. به صراحت می‌توان گفت، که سبک‌های زندگی مرسوم در جامعه، یک جنبه از فرهنگ آن جامعه را شکل می‌دهند. بنابراین، درواقع ارزش، مفهوم بنیادین سبک زندگی است. و می‌توان گفت، که سبک زندگی فرد بازتابی از ارزش‌های فرد و هنجارهایی است که به این ارزش‌ها مربوط می‌شوند. ولی ارزش درواقع مفهومی پیچیده است، برای اینکه بتوان سبک زندگی را به درستی مورد تحلیل قرار داد، باید تمایزات مفهومی در این زمینه، به خوبی تعریف و شفاف شوند. بدین منظور در اینجا میان سه سطح مفهومی متفاوت سبک زندگی، از منظر ارزش، تمایز قائل می‌شویم. این سه سطح عبارتند از: سطح ارزش، سطح نگرش و سطح عمل. به عقیده صاحب نظران، سبک زندگی هر فرد و جامعه متأثر از نوع باورها (جهان بینی) و ارزش‌های حاکم بر آن فرد و جامعه است. مشخص است که جهان بینی مادی و ارزش‌های لذت گرایانه طبیعتاً سبک زندگی خاصی را پدید می‌آورند. همان‌طور که جهان بینی الهی و ارزش‌های کمال گرایانه و سعادت محورانه سبک خاصی از زندگی را شکل می‌دهند (شریفی، ۱۳۹۱: ۳۴).

سبک زندگی به تدریج حاصل می‌شود و به تدریج هم زایل می‌شود. نهادینه شدن یک رفتار یا عملکرد زمانبر است، صبوری و بردباری ویژه‌ای می‌طلبد.

ناشر: دانشگاه تبریز
تاریخ فرهنگ ایران
https://ihc.tabrizu.ac.ir/2, 2, 2025, 163-181. doi: 10.22034/IHC.2025.69140.1092

مقاله پژوهشی
OPEN ACCESS

سرزمین تالش در روزگاران کهن شامل مناطق وسیعی بود که از شمال با آلبانیای قفقاز، و از شرق به دریای خزر و از جنوب به اسپیه رود (سفید رود) و از آن طریق به حدود مارلیک یا عمارلوی کنونی می‌رسید و از غرب نیز دشت و پهنه اردبیل، مغان و منطقهٔ کوهستانی نیر و سراب را در بر می‌گرفت.

این قوم همانند سایر اقوام ایرانی دارای آداب و رسوم خاصی هستند. آداب و رسومی که از گذشتهٔ بسیار دور بوجود آمده و نسل به نسل و سینه به سینه تا این اواخر به حیات فرهنگی خود ادامه داده. اما در دهه‌های اخیر این آداب و رسوم و سبک زندگی تحت تأثیر عوامل گوناگون تغییر نموده و به شکل امروزی درآمده است. پر واضح است اگر چه نمی‌توان مانع این تغییرات شد، اما به کمک علم مردم شناسی می‌توان جهت حفظ سنت‌های این قوم حداقل به ثبت و ضبط پاره‌ای از آنها اقدام کرد. بنابر این اصلی‌ترین موضوعی که پژوهشگر به دنبال پاسخگویی بدان است اینکه آداب و رسوم و سبک زندگی قوم تالش چگونه است و طی دهه‌های اخیر چه تغییراتی در آن ایجاد شده است.

اهمیت و ضرورت انجام پژوهش

در دنیای امروز، مفهوم سبک زندگی، راهی برای تعریف ارزش‌ها و همچنین نشانگر ثروت و جایگاه اجتماعی افراد است. سبک زندگی، به خاطر آشکار ساختن شیوه‌های ارتباط و پیوند اجتماعی حاصل از فرآیندهای فرهنگی و اقتصادی جدید بسیار مهم است، سبک زندگی بر ماهیت و محتوای خاص تعاملات و کنش‌های اشخاص در هر جامعه دلالت دارد و اغراض، نیات، معانی و تفاسیر فرد در جریان عمل روزمره و زندگی روزانه را نشان می‌دهد. از این دیدگاه، سبک زندگی و بررسی آن،که در مطالعات فرهنگی، حوزه‌ای بسیار تخصصی و حرفه‌ای برای خود دارد، در مطالعات و بررسی‌های کلان استراتژیک نیز موضوعی بسیار تعیین کننده و جدی است (ابوترابیان، ۱۳۹۲: ۲۲).

سبک زندگی (رفتارها و انتخاب‌های مصرفی و ...) از اهمیت بسیار بالایی در زندگی برخوردار بوده، مبنا و شالوده شکل‌گیری هویت اجتماعی افراد قلمداد می‌شود. بر این اساس در بررسی سبک زندگی باید به عوامل مختلفی توجه کرد. بنابراین سبک زندگی هر فرد سهم بسزایی در ساختن روایت زندگی او خواهد داشت (رحمانی، سهرابی، ۱۳۹۲: ۲۳).

اهمیت سبک زندگی را به خصوص در عصر حاضر تقریباً در همه مناسبات علمی و غیر علمی و در همه امور جاری زندگی می‌توان مشاهده نمود. آنچه مسلم است در دوران سنتی چندان خبری از تنوع و انتخاب نبود ولی به تدریج به خصوص پس از صنعتی شدن جوامع دو عنصر تنوع و اختیار که در نهایت به قدرت انتخاب منتج می‌شود، به اهمیت موضوع سبک زندگی افزود (حیدری نیا و همکاران، ۱۳۹۴: ۲).

در دهه‌های اخیر هجوم بی رویه اقوام گوناگون به استان گیلان فرهنگ، آداب و رسوم و سبک زندگی مردمان این منطقه بخصوص اقوام تالش را تحت شعاع قرار داده است. اگر چه مردم استان گیلان عموماً از بومیان گیل و تالش به شمار می‌آیند اما وجود اقوام دیگری در این منطقه موجب شکل‌گیری فرهنگ‌های گوناگون شده است مردمانی که با داشتن آداب و رسوم مختلف، زبان و گویش‌های متنوع و اعتقادات و باورهای مذهبی متفاوت، سالیان سال با آرامش در کنار هم زندگی کرده و سنن و آداب و رسوم خود را تا حدودی حفظ نموده‌اند.

ناشر: دانشگاه تبریز
تاریخ فرهنگ ایران
https://ihc.tabrizu.ac.ir/2, 2, 2025, 163-181. doi: 10.22034/IHC.2025.69140.1092

مقاله پژوهشی
OPEN ACCESS

با این وجود امروزه به دلیل حضور عناصری از فرهنگ شهری و ماشینی و پدیده‌ای به نام ویلا سازی و تخریب باغات و مزارع، برخی از سنت‌های زیبای این اقوام به بوتهٔ فراموشی سپرده شده و برخی دیگر کم رنگ‌تر از گذشته به حیات خود ادامه می‌دهند.

با توجه به وجود تکنولوژی آداب و رسوم و فرهنگ ایرانی به باد فراموشی سپرده شده، بنابراین دغدغهٔ پژوهشگر حفظ فرهنگ‌های بومی‌منطقهٔ مورد مطالعه می‌باشد.

با این وصف، گردآوری عناصر فرهنگی قومی، اگر نه در جهت احیا که برای ثبت در تاریخ اجتماعی ضروری است. لذا انجام این تحقیق از اهمیت و ضرورت خاصی برخوردار است.

بنابر این به منظور ثبت و ضبط پاره‌ای از ویژگی‌های متنوع فرهنگی این منطقه و همچنین درک تغییر و تحولات فرهنگی آن که یکی از وظایف مردم شناسی است به جمع‌آوری آداب و رسوم مردم شهرستان تالش اقدام خواهد شد.

هدف کلی

- بررسی و شناخت سبک زندگی عشایر، روستاییان و شهرنشینان قوم تالش و تغییرات به عمل آمده

سوال اصلی

سبک زندگی قوم تالش دارای چه ویژگی‌هایی است و در سالهای اخیر با چه تغییراتی مواجه شده است؟

پیشینه و روش‌تحقیق

ویژگی‌های جامعهٔ مورد مطالعه



تصویر شماره۱: شهرستان‌های استان گیلان

شهرستان تالش: شهرستان تالش که بخش ایرانی محل سکونت قوم تالش است، با مساحتی حدود ۲۳۷۳ کیلومتر مربع که در شمال غرب گیلان قرار دارد، یک چهارم خاک استان را تشکیل می‌دهد. این شهرستان که نام خود را از قوم تالش گرفته از سه جهت به کوه‌های تالش که ادامه رشته کوه‌های البرز هستند و از طرف دیگر به دریای زیبای خزر منتهی می‌شود. کشف آثار تمدن ۴۵۰۰ ساله در ییلاق (نوه دیی) تالش جلوه‌های بیشتری به این منطقه خوش آب و هوا داده است. شهرستان

تاریخ فرهنگ ایران
ناشر: دانشگاه تبریز
https://ihc.tabrizu.ac.ir/2, 2, 2025, 163-181. doi: 10.22034/IHC.2025.69140.1092

مقاله پژوهشی
OPEN ACCESS

تالش یکی از زیباترین شهرهای طبیعی جهان از نظر آب و هوا و پوشش گیاهی و حیوانات ساکن در جنگل‌های آن شهرت جهانی دارد. همه ساله گردشگران زیادی با انگیزه استفاده از فضاها و نمادهای طبیعی تالش به این شهر سفر می‌کنند. حد متوسط بارندگی سالانه در این شهرستان حدود ۱۱۲۴ میلیمتر است (اصلاح عربانی،۱۳۸۷: ۹۵۹).

شهرستان تالش یکی از بزرگترین و مهمترین شهرستان‌های استان گیلان در شمال ایران است. جمعیت شهرستان تالش ۲۰۰،۶۴۹ نفر است (سال ۱۳۹۵) که دومین شهرستان پرجمعیت استان گیلان پس از شهرستان رشت است و مرکز آن شهر هشتپر یا همان تالش با جمعیت بیش از ۸۵،۰۰۰ نفر است. این شهرستان دارای ۵ بخش و ۱۱ دهستان است. شهرستان تالش در غرب استان گیلان با کوهستان‌ها و طبیعتی زیبا و دشت‌های دل‌انگیز و با واقع شدن در سواحل دریای خزر قطب اکوتوریسم ایران محسوب می‌شود. امروز تقریباً بالای ۹۷ ٪ مردم تالش باسواد هستند؛ اولین کتابخانه ایران نیز در این منطقه بنا شده است (انصاری، ۱۵۳).

زبان جامعه کوچ نشین تالش جدای از زبان کل تالشان یعنی همان زبانی که بنام این قوم و دیار، گویش تالشی نامیده می‌شود نیست. زبان تالشی به دلیل احاطه این سرزمین در یک حصار طبیعی کمتر در زبان‌های دیگر مستحیل‌گردیده و سینه به سینه به نسل قرن حاضر منتقل شده است. این زبان از زبان‌های نوی پهلوی و زبانی ایرانی است (شکوری: ۱۳۸۲، ۳۸).

مردم تالش مخلوطی از اقوام گوناگون تالش، ترک، گیلک و تات هستند که سالیان دراز به طور مسالمت‌آمیز درکنار هم زندگی نموده و به امور پرورش دام، کشاورزی، صید و شکار اشتغال ورزیده‌اند.

بنابه استناد آثار مکشوفه باستانی از منطقه و مقابر مورد کاوش در تالش و باورها و اعتقادات گذشته، قبل از اسلام تالشی‌ها دارای دین زرتشتی شاخه‌ای از آن مانند میترائیسم بودند که به نوعی با توتم پرستی نیز عجین گردیده بود چنانکه مجسمه گاوهای سفالی کوهان‌دار که از این منطقه بدست آمده گویای قداست این حیوان در گذشته می‌باشد.

چارچوب نظری

در این مقاله از نظریه پیر بوردیو جهت طبقه‌بندی و تحلیل داده‌ها به عنوان فانوس راه استفاده شده است.

دیدگاه پیر بوردیو: سبک زندگی از دیدگاه بوردیو مجموعه‌ای از ذائقه‌ها، باورها و کنش‌های نظام‌مندی است که در میدان‌های مختلف اجتماعی بر اساس سرمایهٔ در اختیار و عادت واره‌های عاملان شکل می‌گیرد و یک طبقه یا بخشی از یک طبقهٔ معین را از طبقات دیگر متمایز می‌کند. از نظر بوردیو سبک‌های زندگی و سرمایه پیوندی نزدیک دارند. نوع سرمایه‌ای که در اختیار فرد (گروه) قرار دارد، طبقهٔ اجتماعی او را مشخص کرده و موجب شکل‌گیری عادت واره‌های ویژه‌ای در او می‌گردد که خود حاکی از سبک زندگی اوست. بوردیو در مطالعات خود بر اساس ساختار طبقات اجتماعی، سه نوع سبک زندگی را معرفی نموده که عبارت‌اند از:

الف) سبک زندگی طبقهٔ مرفه یا بورژوا که ویژگی اساسی آن تشخص و تمایز از سایر طبقات است.

ب) سبک زندگی طبقهٔ متوسط یا خرده بورژوا که وجه مشخصه عادت واره اعضای خرده بورژوازی اراده‌گری قوی است.

ج) سبک زندگی طبقهٔ فرودست که ویژگی اساسی آن درک و انطباق با ضرورت‌هاست (آتشین صدف،۲۷۱).

تاریخ فرهنگ ایران
ناشر: دانشگاه تبریز
https://ihc.tabrizu.ac.ir/2, 2, 2025, 163-181. doi: 10.22034/IHC.2025.69140.1092

مقاله پژوهشی
OPEN ACCESS

با توجه به اینکه مقاله مورد مطالعه در مورد سبک زندگی قوم تالش می‌باشد و نیز با توجه به اینکه قوم تالش از سه جامعهٔ عشایری و روستایی و شهری تشکیل شده است و هر کدام از این جوامع سبک زندگی و عادت واره‌های خاص خود را دارا می‌باشند که بر طبق نظریهٔ پیربوردیو این عادت واره‌ها می‌باشند که یک طبقه یا بخشی از یک طبقهٔ معین را از طبقات دیگر متمایز می‌کند، در میان قوم تالش نیز عادت واره‌های هر گروه اجتماعی آنها را از گروه‌های دیگر متمایز می‌کند.

پیشینهٔ نظری

اسدیان و حیدری کلجه (۱۴۰۱) تحقیقی با هدف بررسی وضعیت سبک زندگی اسلامی- ایرانی در بین دانشجویان دانشگاه شهید مدنی آذربایجان انجام دادند نتایج نشان داد که دانش و اطلاعات دانشجویان پیرامون سبک زندگی اسلامی - ایرانی مناسب و مطلوب است. علاوه بر این نگرش و باور آنان در رابطه با سبک زندگی اسلامی - ایرانی نیز در وضعیت مطلوبی قرار داشت. اما در بعد عملکرد و عمل به سبک زندگی اسلامی - ایرانی، وضعیت مطلوبی وجود نداشت. به عبارت دیگر علی رغم دانش و اطلاعات آنان پیرامون سبک زندگی اسلامی- ایرانی و همچنین داشتن نگرش مطلوب به این موضوع، اما در زندگی شخصی خیلی به این آموزه‌ها عمل نمی‌کنند.

معلمی (۱۴۰۰) در کتاب خود تحت عنوان"رسانه و سبک زندگی" مجموعهٔ نوزده مقاله یا گفتگوی فرهنگی خود را از نیمه دوم دهه هفتاد تاکنون که در نشریات و سایت‌های گوناگون منتشر شده است را آورده. وجه مشترک این مطالب سبک زندگی و رسانه است و بعضی از ابعاد این دو را بررسی می‌کند. از نظر وی، سبک زندگی یا همان تعلقات، دانش‌ها و آداب و رسوم اجتماعی، خانوادگی و فردی، مهم‌ترین محل بروز یک فرهنگ است و رسانه به ویژه رسانه ملی تأثیرگذارترین ابزار تثبیت یا تغییر فرهنگ به حساب می‌آیند.

آتشین صدف (۱۳۹۹) کتاب نظریه پردازان سبک زندگی، اندیشمندان غربی را نگاشته و توسط نشر تیماس انتشار یافته. برای نگارش این اثر، مفهوم و مباحث سبک زندگی در آثار کلاسیک و جدید اندیشمندان علوم اجتماعی و روانشناسی کاویده شده است و کوشیده شده تا بر اساس منابع موجود و در دسترس، زمینه‌ها و عواملی را که در پیدایش واژهٔ سبک زندگی در اندیشه‌های متفکران موثر بوده بیان شود.

جوشقانی و همکاران(۱۳۹۸) تحقیقی با هدف طراحی مدل نوین سبک زندگی ایرانی- اسلامی با روش گرندد تئوری انجام دادند. نتایج نشان داد مدل بدست آمده چهار دسته از عوامل را در شکل‌گیری سبک زندگی نشان می‌دهد که عبارتند از عوامل محیطی، عوامل فردی،عوامل انسانی و نگرشها و ارزش‌ها و این عوامل در قومیت‌های متفاوت از ارزش‌های متفاوتی برخوردار هستند و نسبت به مدل‌های قبلی دارای جامعیت بیشتری می‌باشد.

پیشینه خارجی

لوبوویک و همکاران (۲۰۲۱) در پژوهشی با عنوان "مصرف کننده مسئول و سبک زندگی: بینش پایداری" با هدف بررسی سبک زندگی مصرف‌کنندگان مسئول در برابر پس‌زمینه پارادایم توسعه پایدار. برای شرکت در بحث در مورد اینکه چگونه یک سبک زندگی پایدار را می‌توان عملیاتی کرد، یک مرور ادبیات سنتی و روایی انجام داده شد. جدا از بازنگری چارچوب نظری سبک زندگی پایدار، سبک‌های زندگی منتخب (مانند سبک زندگی سالم و پایدار، تندرستی، سلامتی، زندگی آهسته، زندگی هوشمند، سبک زندگی کم چربی) و الگوهای رفتار مصرف کننده(تجارت منصفانه، ارزش‌ها) انتخاب شد. رفتار

تاریخ فرهنگ ایران
ناشر: دانشگاه تبریز
https://ihc.tabrizu.ac.ir/2, 2, 2025, 163-181. doi: 10.22034/IHC.2025.69140.1092

مقاله پژوهشی
OPEN ACCESS

آگاهانه و مسئولانه مصرف کننده نیازمند یک فرآیند طولانی مدت است و تا حد زیادی به عوامل فردی، سیاسی و بازاریابی بستگی دارد. در نهایت، یک ارزیابی از تحقیقات مورد استفاده را انجام داده و به چالش‌های قابل اجرا اشاره کرده شد که به توسعه، تقویت و برجسته‌سازی سبک زندگی پایدار کمک می‌کند.

بن و آزرا (۲۰۲۰) در تحقیقی تحت عنوان "پیامدهای ناشی از سبک زندگی در زندگی جوانان امریکایی" بر این باورند که آثار و نتیجه‌های سبک‌زندگی در کلیه شئون و مراحل زندگی خود را نشان می‌دهند و این شئون می‌تواند فردی، اجتماعی، فرهنگی یا سیاسی باشد. یافته‌ها نشان داده‌اند که سبک زندگی در کلیه عرصه‌ها از جمله ۴ حوزه‌ای که مورد مطالعه محققان قرار داشته است مؤثر می‌باشد. براساس یافته‌ها در حوزه فردی، افراد در بخش درمان، بهداشت و سلامت، رفتار با دیگران و ... از سبک زندگی تأثیر می‌پذیرند. در حوزه سیاسی، انتخابات، در حوزه اجتماعی، فعالیت‌های جمعی و در حوزه فرهنگی، به ویژه تحصیلات از سبک زندگی تأثیر می‌پذیرند.

تاتیانا (۲۰۲۰) در تحقیقی تحت عنوان"سلامت و سبک زندگی سالم به عنوان ارزش‌های اجتماعی توسعه دولتی" روند شکل‌گیری ارزش‌های سلامت و سبک زندگی سالم، به عنوان بالاترین اهداف و ارزش‌های دولت در قوانین قانونی هنجاری مصوب روسیه که مسیر کاهش آسیب‌های اجتماعی را به دنبال دارد را مورد بررسی قرار داده است. نتایج این تحقیق نشان داده که تعریف مقوله «سبک زندگی سالم» بر جنبه‌های مختلف توسعه ارزش‌های اجتماعی و تأثیر آن‌ها بر توسعه سیاست دولتی در این حوزه تأکید دارد.

لیسا و همکاران(۲۰۲۰) به مقایسه سبک زندگی و تفاوت آن در میان دو گروه از افراد مذهبی و غیر مذهبی در کشور امریکا پرداخته‌اند. جامعه آماری این مطالعه آن را دو گروه از دانشجویان مذهبی و غیرمذهبی تشکیل می‌داده‌اند. داده‌ها نشان دادند که تفاوت معناداری میان وضعیت دینداری دو گروه از افراد با سبک زندگی متفاوت وجود دارد. براساس یافته‌ها، سبک زندگی می‌تواند نحوه نمایش دینداری افراد را متأثر سازد.

روش‌شناسی

در این مقاله پارادایم اصلی بر محوریت تفسیرگرایی قرار گرفته است. رویکرد در این رساله کیفی و از منطق استقرایی استفاده شده است. پژوهشگر در این تحقیق با منطق استقرایی در سطح شهرستان تالش از منطقه‌ای به منطقه‌ی دیگر و از قریه‌ای به قریه‌ی دیگر (به مفهوم استقرا توجه شود) رفته و با عامه‌ی مردم و متخصصین مصاحبه انجام داده و اطلاعات را جمع‌آوری نموده و به یک بینش کلی در حوزه‌ی سبک زندگی این مردمان دسترسی پیدا نموده است. این تحقیق به لحاظ هدف درگروه تحقیقات بنیادین قرار می‌گیرد. پژوهش بنیادی، پژوهشی محض است، که عمدتاً فاقد نتیجه فوری است.

اگر چه جامعه‌ی مورد مطالعه این تحقیق از نظر وسعت، منطقهٔ وسیعی را تحت پوشش قرار می‌دهد اما از آنجا که پژوهشگر عناصر محدودی از سبک زندگی را مورد مطالعه قرار داده، این تحقیق از نوع ژرف محسوب می‌شود.

تاریخ فرهنگ ایران
ناشر: دانشگاه تبریز
https://ihc.tabrizu.ac.ir/2, 2, 2025, 163-181. doi: 10.22034/IHC.2025.69140.1092

مقاله پژوهشی
OPEN ACCESS

جامعه مورد مطالعه در این مقاله مردم شهرستان هشتپر تالش می‌باشند که در سال ۱۴۰۳-۱۴۰۲ مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. جامعه مورد مطالعه در این تحقیق بر اساس معیارهای زیر انتخاب شدند:

۱. عامه مردم تالش با استفاده از روش نمونه‌گیری غیر احتمالی در دسترس انتخاب ومورد مصاحبه ساختاریافته و نیمه‌ساختاریافته قرار گرفتند.

۲. ریش‌سفیدان و مطلعین محلی که بر اساس مدل گلوله‌برفی انتخاب شدند.

۳. متخصصین و کارشناسان فرهنگی، مردم شناسان و گیلان پژوهان و مطلعین در حوزه فرهنگ مردم تالش.

توضیح اینکه روش گردآوری اطلاعات در این تحقیق ترکیبی است و از روش اسنادی و میدانی استفاده شده است. مقوله بندی داده‌ها از طریق کدهای سه گانه (باز، محوری، انتخابی) انجام شده است.

یافته‌ها

چنانچه پیشتر مطرح گردید؛ هدف اصلی پژوهشگر در این مقاله، پاسخ به این پرسش است که «آداب و رسوم عشایر، روستاییان و شهرنشینان مردم تالش در گذشته چگونه بوده، و در سال‌های اخیر با چه تغییراتی مواجه شده است».

از این‌رو پژوهشگر در سه جامعه ایلاتی، روستایی و شهری اقدام به پژوهش میدانی و مصاحبه با مطلعین محلی و خبرگان فرهنگی نمود.

شیوه زندگی و آداب و رسوم عشایر تالش و تغییرات آن از گذشته تا امروز

عشایر گروه‌های انسانی هستند که اساس زندگی شان بر دو پدیده کوچ‌نشینی و دامپروری استوار است. این گروه زندگی همواره متحرک و موسمی داشته؛ به‌همراه چهارپایان و اسبابی مختصر و متعلق به زندگی کوچ‌نشینی، برای زیست مبتنی بر دامپروری و تهیه نیازمندی دام‌های خود، در شرایط مختلف اقلیمی و آب و هوایی، از مناطق گرمسیر(قشلاق) به مناطق سردسیر(ییلاق) و بالعکس کوچ می‌کنند.

عشایر با توجه به ویژگی اصلیشان، که کوچ‌نشینی است و به تبع آن وابستگی به دام، نیازمند به بهره‌مندی از مراتع هستند و کوچ یا جابجایی انسان و دام به منظور بهره‌گیری از چراگاه‌های طبیعی و دوری از سرما و گرمای شدید، در ساختار زندگی آنان راه یافته است.

پژوهشگر در مصاحبه‌های به عمل آمده با مطلعین و ساکنین محلی دریافت که قوم تالش از دو بخش کوه‌نشین "کونَج" و جلگه نشین "گیلونَج" تشکیل شده‌اند. بخش کوه‌نشین در برگیرنده دوگروه اصلی شغلی است: دامدار کوچ‌نشین و چند پیشهٔ اسکان یافته. جلگه نشینان نیز به دو بخش اصلی شهرنشین و روستانشین تقسیم می‌شوند. اکثریت جمعیت عشایر تالش دامدار هستند. آنان در سه مرحله کوچ می‌کنند. در مرحله اول به منطقه پایین‌دست که اهالی به آن چراگاه یا "اُجی" می‌گویند، کوچ می‌کنند و با امکاناتی اندک در کلبه‌ای چوبی که خود می‌سازند، روزگار می‌گذرانند.

پس از فصل پاییز و زمستان نوبت به مرحله دوم کوچ می‌رسد. عموماً دامداران خانه و کاشانهٔ خویش را در "اُجی" نگه می‌دارند و یک نفر همراه با دام به منطقه بالاتر می‌رود. در این میان اگر خانواده‌ای نیروی کار کمتری داشت، کل خانواده به

ناشر: دانشگاه تبریز
تاریخ فرهنگ ایران
https://ihc.tabrizu.ac.ir/2, 2, 2025, 163-181. doi: 10.22034/IHC.2025.69140.1092

مقاله پژوهشی
OPEN ACCESS

اتفاق کوچ می‌کنند. مدت اقامت آنان در این منطقه بیش از دو ماه نیست. البته این شیوه زندگی مربوط به عشایری است که امرار معاششان صرفاً دامپروی بوده و مهارت دیگری کسب نکرده‌اند. در این میان اگر خانواده‌ای نیروی کار بیشتری داشته باشند، اعضای خانواده به نوبت جای خود را با یکدیگر عوض کرده و در این‌صورت خانواده در یکجا می‌ماند. در مرحله بعد به سمت ییلاق می‌روند که کمی از مرتع پایین تر است. آنجا هم یک یا دو ماه زندگی می‌کنند که خانه‌های گلی درآنجا وجود دارد. بعد از این مرحله که حدوداً در پانزده خرداد باشد (دانهٔ علف باید به زمین بریزد) به سمت مرتع می‌روند و تا پاییز آنجا می‌مانند.

پژوهشگر در مصاحبه با یکی از افراد تالشی با تغییراتی که در شیوه زندگی وی بوجود آمده مواجه شد. وی ابراز داشته که قبلاً دامدار بوده ولی در حال حاضر به کشاورزی اشتغال دارد. دامدار در پایین دست، خانه دارد حیاط دارد باید طویله بسازد علوفه بخرد. در پایین دست هم دام نگه می‌دارند که برایشان هزینه‌های اضافه دارد، ولی در بالادست به آن صورت هزینه بر نیست. آنجا دام در مرتع می‌چرد و نیاز به خرید علوفه نیست. وی اضافه کرد در حال حاضرکارهایی انجام می‌دهند که بتوانند دامداری را حفظ کنند. مثلاً زمینی که در ییلاق دارند چند رأس دام خریده و در اختیار کسانی که توانایی خرید دام ندارند، قرار دهند. آنها از دام در زمین شان نگهداری می‌کنند و درآمد آن به طور مساوی بین‌شان تقسیم خواهد شد. در این صورت می‌توانند به شرایط قبل برگردند. با این‌که می‌داند دامپروری شغل سخت و توان‌فرسایی است، اما می‌خواهد در حفظ آن بکوشد. زیرا با توجه به اینکه جامعه به سمت مدرن شدن می‌رود، فرزندانشان دچار دوگانگی فرهنگی شخصیتی شدند. این وضع ادامه پیدا کند عشایر کم و کمتر می‌شوند. جوانان ازدواج می‌کنند و بچه دار می‌شوند به‌خاطر تحصیل فرزندان مجبور می‌شوند از مناطق ییلاقی به پایین بیایند. به عنوان مثال به تازگی یکی از اقوام گوسفندانش را فروخت و به پایین دست آمد. شغلی پیدا کرد که اصلاً علاقه‌ای به آن ندارد. خیلی‌ها که دام خود ر ا می‌فروشند و آن پولی که به دست می‌آورند را نمی‌توانند مدیریت کنند، نمی‌دانند چگونه باید خرجش کنند. عموماً شغل این مردمان دامداری بوده است. هنگامی‌که مغازه باز می‌کند، نمی‌تواند موفق شود. زیرا با روحیهٔ آنها سازگاری ندارد.

در ادامه به این نکته اشاره کرد که برای اینکه آن حال و هوای گذشته را برای خود نگه دارد در باغ خود در پایین دست یک کلبهٔ چوبی ساخته است و بخاری هیزمی گذاشته که حس بودن در ییلاق را برای خود ایجاد کند. (یک چیزی در گذشته بود که الآن نیست هر چقدر هم که بگردیم نیست.) آرامشی که در کلبه‌های چوبی بود در آپارتمان نیست. هر چقدر که ثروتمند باشی و رفاه داشته باشی باز هم آن آرامش وجود ندارد. فردی که در ییلاق زندگی می کند فکرش حول محور دام و دامداری است نه چک و نه چیزهایی که مشغلهٔ ذهنی به دنبال دارد. نگرانی مردم دامدار این است که این روند اگر به همین منوال پیش برود و مردم از کوچ‌نشینی دست بکشند و یکجانشین شوند، دیگر دامداری نخواهیم داشت».

پژوهشگر در همین رابطه و در مصاحبه با یکی از اهالی روستای طولارود دریافت که در زندگی عشیره‌ای، زنان و مردان پا به پای هم کار می‌کنند. زندگی عشیره‌ای زندگی سختی است. فرد عشایری با دیدن زندگی شهری در این اندیشه فرو می‌رود که من چرا نباید این‌گونه زندگی کنم، تا کی می‌خواهم سخت کار کنم؟

عشایر در گذشته در ییلاق برای تنور باید هیزم جمع می‌کردند. امروزه از کپسول گاز استفاده می‌کنند. تنورهای حرفه‌ای آماده را در خانه می‌گذارند و کارشان راحت تر شده است. خانم خانه دیگر مجبور نیست بیرون از خانه با هیزم تنور را

تاریخ فرهنگ ایران
ناشر: دانشگاه تبریز
https://ihc.tabrizu.ac.ir/2, 2, 2025, 163-181. doi: 10.22034/IHC.2025.69140.1092

مقاله پژوهشی
OPEN ACCESS

گرم کند. کسانی هم که چوپانی می‌کنند، گرچه در گذشته با اسب کوچ می‌کردند، اما امروزه با موتور می‌روند به ییلاق و کارشان را انجام می‌دهند و سرعت کار بیشتر شده است. آنان در مرتع چادر می‌زنند، زیرا دولت اجازه ساخت بنا نمی‌دهد.

در میان عشایر هرکسی، پدر، مادر و.. مسئولیتی دارد. ماشین به ییلاق می‌آید، لوازم مصرفی می‌آورد مانند تاید، چای، قند... تبادل کالا دارند.

یکی از کشاورزان تالشی نیز معتقد است: ییلاق گرچه در چشم‌انداز شما مکان بسیار قشنگ و باصفایی است، اما شما مشکلاتش را ندیدید و با آن روبرو نشدید. وقتی باران می‌آید، مه گرفته، باید در باران بمانید و با گوسفندان بروید اگر نروید مشکل ایجاد می‌شود. این مسائل هم وجود دارد.

ویژگی‌های جامعه روستایی قوم تالش، سبک زندگی و تغییرات به عمل آمده

پژوهشگر در مصاحبه با روستانشینان تالشی در خصوص ویژگی‌های جامعه روستایی و سبک زندگی قوم تالش اطلاعات زیر را به دست آورد: یکی از افراد این‌گونه عنوان کرد "پیشتر زندگی عشایری داشته که از آن به عنوان زندگی سخت یاد می‌کند. سه بار کوچ در سال؛ همراه با وسایل زندگی خیلی مختصر؛ به تازگی روستانشین شده هنوز گاز ندارند، با نفت خانه را گرم می‌کنند و با کپسول غذا می‌پزند. با این حال زندگی برایشان کمی راحت‌تر از زیست عشایری است."

یکی دیگر از مطلعین محلی روستای طولارود در زمینهٔ آبیاری باغات و مزارع روستا، می‌گوید: "در گذشته دولت هیچ نقشی در تقسیم آب نداشت. عرف بر این امر استوار بود که اهالی روستا پنج نفر را به‌عنوان هیئت مالکین انتخاب می‌کردند، یکی از این پنج نفر به عنوان رئیس هیئت انتخاب می‌شد. رئیس هیئت مالکین، نام تمام کشاورزان را داشت، که هر کس چه متراژ زمین دارد و نسبت به وسعت مزرعه‌اش چه مقدار حق آبه باید پرداخت کند. کسانی که وضع مالی خوبی نداشتند و وسعت مزرعه‌شان کوچک بود، از پرداخت حق آبه معاف بودند. رئیس هیئت مالکین یک سرمیراب می‌گرفت، سر میراب برای هر نهری یک میراب می‌گرفت و به کمک میراب برای هر حوزهٔ آبیاری، آبیار می‌گرفت. حقوق تمام این افراد از محل حق آبه پرداخت می‌شد.

این یک معیار اجتماعی در فقدان قانون و دخالت دولت برای ادارهٔ آبیاری بود. آب اگر کم بود برای همه کم بود پایین دست و بالادست نداشت. مزرعه اگر می‌سوخت، برای پایین دست همان‌قدر می‌سوخت که برای بالادست، تبعیض قائل نمی‌شدند. بر خلاف حالا که بالادستی‌ها آب را برمی‌دارند پایین دستی‌ها بی‌آب می‌مانند. اگر می‌خواستند نهر را لایروبی کنند، باز هم زمین‌دارها و مالکین نقش تعیین‌کننده داشتند. موقع درو کردن و حمل کسی که محصول خود را درو کرده بود، نمی‌توانست هنگام غروب برداشت خود را انتقال دهد. قرار می‌گذاشتند آخرین نفر که درو کرد و تمام شد، دروازه‌ها را باز کنند و محصول را به خانه ببرند. هنگام آبیاری، شخم و... گرد هم می‌آمدند و زمان شروع کار را تعیین می‌کردند. هنگام کشت نشاء این‌گونه نبود که هر کس به میل خود کار کند، یک روز تعیین می‌کردند. معمولاً هنگام گل کردن درخت «به»، نشاء می‌کردند."

یکی از کشاورزان در ارتباط با شیوهٔ کار در روستا گفتند: "در حال حاضر در روستا کشاورزی مکانیزه‌تر شده. با ماشین‌های کشاورزی کارها راحتتر شده. کاری که در کشاورزی سنتی در ده روز انجام می‌شد، امروزه با کشاورزی مکانیزه در یک روز انجام می‌شود. بدین‌ترتیب هم در زمان صرفه‌جویی می‌شود و هم سختی کار کمتر شده است. او معتقد است کشت

ناشر: دانشگاه تبریز
تاریخ فرهنگ ایران
https://ihc.tabrizu.ac.ir/2, 2, 2025, 163-181. doi: 10.22034/IHC.2025.69140.1092

مقاله پژوهشی
OPEN ACCESS

کیوی کار را راحت کرده، کاشت کیوی مزیت‌های بیشتری نسبت به برنج دارد. جوان‌ها دیگر سختی کار کشاورزی را قبول نمی‌کنند، برای کار به شهر می‌روند. اگر کیوی نبود خیلی‌ها زمین خود را می‌فروختند. همه دنبال رفاه هستند. جوان ماشین می‌خواهد خانه می‌خواهد... و این‌ها را نمی‌توانستند با کشاورزی تأمین کنند. ولی کیوی که آمد دیگر زمین را نمی‌فروشند، هم زمین دارند هم درآمد. کسی که پرتقال می‌کارد فروش آنچنانی نسبت به کیوی ندارد.

یکی دیگر از اهالی در مورد شرایط کنونی روستا گفتند: "اکنون در روستا همه چیز پیشرفته شده در عین حال نسل جدید توقعاتشان از پدر و مادر بالا رفته است. از این‌رو همهٔ امکاناتی که در شهر می‌بینید در روستا هم وجود دارد. یک زمان موج مهاجرت از روستا به شهر زیاد شده بود، در حال حاضر این‌گونه نیست. امکانات رفاهی در روستا زیاد شده مثلاً با آمدن کیوی اشتغال ایجاد شده. بعضی‌ها بانک نشاء زدند. یکی در کار بنایی، یکی گچ‌کاری ... بنا بر این اینجا هم راحتند هم درآمد دارند. مهاجرت باعث می‌شود افسرده بشوند، دوری از خانواده دارند، نسبت به بیست سال پیش یک دهه پیش شرایط اینجا بهتر شده."

فردی دیگر به این نکته اشاره کرد که "اینجا روستای ساحلی تازه آباد است، قبلاً در شهر زندگی می‌کرده، حالا به روستا بازگشته. در زمین پدری خود اینجا را ساخته که هم محل سکونت خودش باشد و هم خانهٔ بوم‌گردی اجاره می‌دهد. خیلی‌ها مهاجرت معکوس دارند. آن موقع می‌گفتند در روستا کار نیست ولی امروزه این‌طور نیست، طرف می‌تواند مغازهٔ صنایع دستی بزند، مغازهٔ خواروبار فروشی بزند، این منطقه توریستی هست زمینه‌های کار وجود دارد. یک نفر از تهران آمده دوتا انبار گرفت، سیر را از مزرعه دار می‌خرید و چند نفر هم استخدام کرده است، سیر بسته بندی می‌کنند، کارشان خوب گرفت.

در روستا امکانات برق و آب و گاز وجود دارد. اینجا راحت زندگی می‌کنند. در حال حاضر در روستا از کولر اسپیلیت هم استفاده می‌کنند."

یکی دیگر از مصاحبه شوندگان در مورد تغییرات سبک زندگی در روستا معتقد بود: "قدیم در روستا با خانواده به همراه پدر و مادر و شش خواهر و یک برادر در یک اتاق زندگی می‌کردند، خانه‌ها کوچک بود، رفاه و آسایش مثل امروز نبود. با آمدن امکانات رفاهی زندگی راحتتر شده اما صمیمیت و مهربانی کمتر شده. مردم به کار هم کار دارند و برای هم حرف درمی‌آورند.



تاریخ فرهنگ ایران
ناشر: دانشگاه تبریز
https://ihc.tabrizu.ac.ir/2, 2, 2025, 163-181. doi: 10.22034/IHC.2025.69140.1092

مقاله پژوهشی
OPEN ACCESS

تصویر شماره ۲: نمایی از یک خانه روستایی عکس از دانشجو (روستای طولارود) مورخ تیر ماه ۱۴۰۳

مصاحبه شونده‌ای دیگر به این نکته اشاره کرد: "اکنون در مرحلهٔ گذار از کوچ نشینی به یکجا نشینی قرار دارند. کوه نشینان دامدار بودند، کشاورزی در حد کاشت گندم بوده. آن‌هایی که جلگه نشین می‌باشند شغل عمده‌شان کشاورزی می‌باشد دام در حد مصرف لبنیات خود دارند.کوه‌نشینان شکل مدیریت کارشان دامدارانه است که خیلی کمی نیست، مدیریت باغدارانه برنامه‌ریزی شده می‌باشد، از روز اول تا زمان برداشت کار مشخص است.

یکی از کشاورزان در رابطه با تغییر رفتار مردم در روستا ابراز داشتند: قدیم مردم خیلی مهربان‌تر بودند. برای مثال محصول شالی همسایه می‌رسید، برای آن‌ها نرسیده بود و برنج نداشتند، کسی دیگر بی برنج نمی‌ماند، داس بر می‌داشتند می‌رفتند در مزرعهٔ آشنای خودشان برنج بر می‌داشتند تا محصول مزرعهٔ خودشان برسد بعد همان اندازه که برداشته بودند، برمی‌گرداند."

کشاورزی دیگر گفت: "پدربزرگش زمین‌های زیادی داشت و می‌داد به کشاورز، روی زمین‌هایش کار می‌کردند. وصیت کرده بود که بابت این زمین‌ها از کشاورز پولی نگیرند، یعنی زمین‌ها را بخشید به آن‌ها. حال طرف خان زاده است و دارا، از کشاورزی که سی سال، چهل سال روی زمین‌هایش کار کرده شکایت می‌کند که زمین را پس بگیرد یا پولش را بگیرد. هفتاد درصد ارزش زمین را از کشاورز می‌گیرد."

از نظر یکی از اهالی روستای طولارود، روستا در این روزگار خیلی تغییر کرده است. نسل جدید اصلاً نگاهی به گذشته ندارد، دیگر خبری از خانوادهٔ گسترده نیست. پسر چوپان امروزه گوسفندان را به چرا می‌برد، در عین حال اینستاگرام خود را چک می‌کند و با دنیا گفتگو می‌کند.

ویژگی‌های جامعه شهری، سبک زندگی و تغییرات به عمل آمده:

در مصاحبه‌های بعمل آمد مشخص شد در سال ۱۳۷۶ تالش را به سه شهرستان تقسیم کردند. شهرستان ماسال، شهرستان رضوانشهر و شهرستان تالش. از ماسال و رضوانشهر کلمهٔ تالش را حذف کردند.

تالش به پنج بلوک ماسال، شاندرمن، تالش دولاب، اسالم و کرگانرود تقسیم شد. هرچند در حال حاضر شاندرمن در ماسال ذوب شده یعنی دیگر اسمی از آن به عنوان یک بلوک مستقل و جداگانه نیست. شهرستان شدنش خوب بوده ولی بهایی که در ماسال برایش پرداخت شده، هر چقدر مردم تالشی صحبت کنند و ادعای تالشی داشته باشند هیچ مدرکی برای نسل‌های بعدی مبنی بر تالشی بودن وجود ندارد."

یکی از ساکنان شهر هشتپر دربار ۀ شباهت‌های زندگی روستایی و شهری معتقد بودند:" امروزه سبک زندگی که در خانوادۀ شهری است در روستا نیز وجود دارد. از نظر وی هر جایی که راه مراسلاتی و برق باشد، سبک زندگی به شرایط زندگی شهری تغییر پیدا می‌کند."

تحلیل تغییرات به عمل آمده در سبک زندگی قوم تالش و دلایل آن

با توجه به یافته‌های پژوهش علت اصلی تغییر در سبک زندگی قوم تالش را می‌توان در موارد زیر دانست:

تاریخ فرهنگ ایران
ناشر: دانشگاه تبریز
https://ihc.tabrizu.ac.ir/2, 2, 2025, 163-181. doi: 10.22034/IHC.2025.69140.1092

مقاله پژوهشی
OPEN ACCESS

- تا صد سال پیش بین رشت و تالش ارتباطی برقرار نبود. زمانی‌که روس‌ها جادهٔ مراسلاتی بین آستارا و انزلی را برای اهداف نظامی ساختند، در حقیقت امکان ارتباط بین تالش و رشت، که مرکزیت زندگی شهری در استان گیلان بود، برقرار شد.

- در دوره قاجار و تا قبل از حضور رضاشاه بر اریکهٔ قدرت، ارتباطات فرهنگی، کالایی، تجاری از طریق لنکران و باکو با پنج بندرگاه شفارود، آلالان، اسالم، بازار کرگان‌رود، بندر حویق و بندر لیسار از طریق کشتی‌های صورت می‌گرفت. تا آن‌که در مورخ بیست‌و سوم مرداد ماه سال ۱۳۲۳، با مصوبهٔ هیئت وزیران، بخش‌های تالش و انزلی که تا آن‌زمان بخشی از رشت بودند، از رشت جدا شد و هرکدام به شهرستان‌های مستقل تبدیل شدند.

- در آن زمان بندر پهلوی (انزلی سابق و کنونی)، مرکز شهرستان پهلوی و بخشی از بخش‌های اداری شفارود به فرمانداری هشتپر انتقال پیدا می‌کند.

- با تیرگی روابط بین ایران و شوروی و بستن مرزهای مشترک، بازار کرگان‌رود و شفارود و لیسار، حویق و اسالم برچیده می‌شود. جاده مراسلاتی بین آستارا و هشتپر و انزلی از سوی دولت به عنوان راه شوسه بهره‌برداری شده و با ساخت پل، ارتباط تجاری تالش با رشت و انزلی برقرار می‌شود.

- در این زمان ارتباط تجاری با لنکران و باکو قطع می‌شود. ولی بازرگانان ترک زبان می‌مانند. آن‌ها مغازه‌های خود را از بازار کرگان‌رود، لیسار، حویق و اسالم جمع می‌کنند و به کنار جاده‌ها انتقال می‌دهند.

این مهاجرت‌ها تأثیر زیادی در آداب و رسوم و سبک زندگی مردم تالش داشته است. پیش از این تالش دارای جامعه‌ای بسته بود. و بیرون از حوزهٔ خود ارتباطی نداشتند.

حدود چهل سال پیش تالش از محروم‌ترین مناطق استان بود. زیرا اولاً فاصله زیادی تا مرکز استان داشت (هنوز این راه ارتباطی به بهره‌برداری نرسیده بود) دوم آنکه اقتصاد تک محصولی داشت. برنج تولید اصلی مردم تالش بود و مقداری هم ماهی. اتفاقی که در طول این چهل سال افتاد، این است که کشت کیوی در تالش رایج شد. در حال حاضر با کشت پنج هزار هکتار کیوی، تالش مهمترین و بزرگترین مرکز کشت کیوی است. سالانه حدود صد و پنجاه هزار تن کیوی در تالش تولید می‌شود. اگر قیمت کیوی را کیلویی حدود ده هزار تومان در نظر بگیریم، رقمی حدود هزار و پانصد میلیارد تومان درآمد حاصل از کشت کیوی در تالش است. اگر دیگر تولیدات از جمله برنج، ماهی، تره بار، دام... را حساب کنید، ارزش اقتصادی فعالیت‌های کشاورزی که شامل کشت، صید، باغداری، دامداری است، حدود هفت هزار و پانصد میلیارد تومان می‌شود که خارج از جامعهٔ به درون آن تزریق می‌شود. این رونق اقتصادی باعث افزایش درآمد مردم تالش شده است. به همین دلیل در روستاهای تالش تقریباً از هر ده خانه، هشت خانه نوساز شده است. نمای خانه‌ها مرمر و... تقریباً خانه‌ای نیست که یخچال، تلویزیون، کولر نداشته باشد. ماشین در حیاط خود نداشته باشد. یعنی ضریب برخورداری مردم از امکانات رفاهی بالا است. وضع اقتصادی مردم خوب است. در جلگه روستاهایی که آب و برق و گاز نداشته باشند خیلی کم است. اما در بخش کوهپایه و کوهستانی، مردم دسترسی به گاز ندارند یا کم دارند، دسترسی به برق خیلی فراگیر نیست. هنوز با آن شیوه‌های سنتی زندگی می‌کنند.

دامداران کوه‌نشین آخرین نسلی هستند که به دامداری سنتی اشتغال دارند و بعد از این منقرض خواهند شد.

تاریخ فرهنگ ایران
ناشر: دانشگاه تبریز
https://ihc.tabrizu.ac.ir/2, 2, 2025, 163-181. doi: 10.22034/IHC.2025.69140.1092

مقاله پژوهشی
OPEN ACCESS

اما در قبال این رفاه اقتصادی، تالش در یک فقر فرهنگی به سر می‌برد. در شهر هشتپر با پنچاه و پنج هزار نفر جمعیت حدود هفتاد و پنج مغازۀ طلا فروشی داریم، اما پنج مغازۀ کتاب فروشی. امروزه حدود نود و هشت درصد مردم ماهواره دارند. بنابراین شتاب تحول اقتصادی شدید است تحول فرهنگی خیلی کند است.

نتیجه

اکثر قوم تالش در گذشته دامدار و کوچ‌رو بودند و به مرور زمان به یکجانشینی (در روستا و شهر) گرایش پیدا کرده‌اند به همراه تغییر در شیوه کوچ و اسکان قوم تالش، تغییراتی در سبک زندگی این قوم به وجود آمده است. ازجمله مهمترین این تغییرات تغییر محل سکونت در زندگی عشیره‌ای از چادر به خانه‌های کاهگلی، پوشالی یا چوبی در روستاها و امروزه به شکل مدرن با مصالح جدید در جامعۀ شهری است.

همراه با تغییر در ساختار مسکن، تغییر و تحولاتی در داخل خانه‌ها و محل سکونت صورت گرفته است. از جمله می‌توان به وجود آشپزخانه مدرن(اوپن) در آپارتمان اشاره کرد که روابط درون خانه را کاملاً تغییر داده است. دیگر از مراکز تمیز (یعنی تنور در داخل خانه) به‌عنوان سمبل پاکی و قداست خبری نیست. همچنین ورود برخی مظاهر آپارتمان‌نشینی مانند توالت و حمام در داخل خانه، که در گذشته محلی کثیف تلقی می‌شد، بالطبع تغییراتی متناسب با فرهنگ آپارتمان‌نشینی و در تضاد با باورهای گذشته پدید آورده است.

اقتضای زندگی عشیره‌ای در گذشتۀ نه چندان دور، دوبار کوچ در سال به همراه ملحقات زندگی عشایری و دام و بار و بنه از قشلاق به ییلاق و برعکس بود. این تردد از سویی بسیار سخت و طاقت‌فرسا و از دیگر سوی مبتنی بر شیوه خاصی از زندگی بود. اما به مرور زمان و با توجه به امکانات راه‌سازی و مراسلاتی و نیز پیدایش امکانات رفاهی چون آب لوله‌کشی، برق و گاز؛ همچنین وسایط نقلیه عمومی و شخصی، امروزه دیگر عشایر به سبک قدیم کوچ نمی‌کنند. حمل و نقل اثاثیه در فرایند کوچ از قشلاق به ییلاق با کامیون صورت می‌گیرد.

در عین حال امروزه اکثریت جمعیت عشایر دیگر کوچ نمی‌کنند و یکجانشین یا در اصطلاح «تخته‌قاپو» شده‌اند. در حقیقت تأثیر و تأثر از تغییرات در زندگی روستایی و شهری آنان را یکجانشین کرده است. بنابراین با تغییر در سبک زندگی از کوچ‌نشینی به یکجانشینی بخشی از الگوی زندگی آنان نیز دگرگون شد. به‌گونه‌ای که زندگی در مجتمع‌ها و آپارتمان‌ها و حضور در جامعه شهری بسیاری از آداب و رسوم و فرهنگ ایلاتی را تغییر داده است.

در مورد روستانشینان باید گفت برخی از روستاییانی که در گذشته به کارکشاورزی مشغول بودند، با تغییر شرایط از کشاورزی دست کشیده، زمین‌های خود را فروختند و به شهرها مهاجرت کردند و به کارهای خدماتی مشغول شدند.

از آنجا که جاذبه‌های شهر بسیار پررنگ‌تر از زندگی در روستاها و ایلات است، عشایر نیز یکجانشین شده و به دنبال آن روستاییان نیز خانه و کاشانه خود را ترک نموده و به شهرها مهاجرت کرده‌اند. از این منظر ساختار خانه و خانواده و نوع پوشش آنان دچار تغییر شده، اما در عین‌حال بخشی از افکار و اندیشه‌های روستایی و ایلاتی هنوز در ذهنیت آنها باقی مانده است. این مسئله در سبک آرایش و لباس اقوام تالشی که در شهر حضور یافته‌اند قابل مشاهده و تسری است. از آنجا که زندگی ماشینی در شهر برای بسیاری از روستاییان مشکل‌ساز بوده است و نیز موقعیت‌های شغلی برای آنان محدود است،

تاریخ فرهنگ ایران
ناشر: دانشگاه تبریز
https://ihc.tabrizu.ac.ir/2, 2, 2025, 163-181. doi: 10.22034/IHC.2025.69140.1092

مقاله پژوهشی
OPEN ACCESS

برخی مهاجرین در اثر عدم موفقیت در انتخاب شغل، دچار سرخوردگی شده، بنابراین بازگشت به روستا را بر زندگی پرهیاهوی شهری ترجیح داده‌اند.



تصویر شماره ۳: مصاحبهٔ پژوهشگر با خانم منیژه قلی نژاد از اهالی روستای "کیشه ویشه" در منزل نامبرده (تیرماه۱۴۰۳)
(با توجه به تغییرسبک زندگی، بسیاری ازخانه‌های روستایی واثاثیه آنها تغییرنموده که این عکس گویای آن است)

فهرست نام مصاحبه شوندگان

ردیف	نام و نام خانوادگی	شغل	مدرک تحصیلی	محل سکونت	سن
۱	محمد تقی رهنمایی	عضوهیئت‌علمی، بازنشسته	دکتری	تهران - تالش	۸۰
۲	بیوک سلیمانی	دامدار	ششم قدیم	ییلاق چاله خونی تالش	۷۸
۳	یوسف ضربی طولارودی	کشاورز و نجار	چهارم دبستان	روستای اوله کری	۷۷
۴	خانم فرجی	خانه دار	بی سواد	روستای طولارود	۷۰
۵	خان جان برزگر	بازنشسته	دیپلم	تازه آباد تالش	۶۸
۶	مسعود سالاری توسه سرا	بازنشسته	فوق لیسانس	تهران	۶۶
۷	محرم علی نیرومند	کشاورز	اول راهنمایی	روستای‌مینارابی جولند	۶۲
۸	برات سلیمان پور	آزاد	ششم قدیم	روستای اوله کری	۶۱
۹	فریدون شفقتی پور	دامدار- مداح اهل بیت	پنجم	روستای بستان سر	۵۸
۱۰	ذبیح الله قدرتی	بازنشسته	فوق لیسانس	هشتپر تالش	۵۸
۱۱	سهراب سلیمانی	کارمند	دیپلم	روستای اوله کری	۵۲
۱۲	حسین علی هوشیار	ازاد	دوم نظری	روستای طولارود	۴۹
۱۳	لطیفه قلی نژاد	خانه دار	اول راهنمایی	روستای کیشه ویشه	۴۹
۱۴	احمد جهانگیری	رئیس شورای حل اختلاف	لیسانس	روستای کیشه ویشه	۴۹
۱۵	منیژه قلی نژاد	خانه دار	اول راهنمایی	روستای کیشه ویشه	۴۷
۱۶	عزت علیزاده	مزون دار	دیپلم	هشتپر تالش	۴۵
۱۷	جلال عبدی	بنا	فوق دیپلم	هشتپر تالش	۴۵
۱۸	مهناز عابدی	خانه دار	پنجم ابتدایی	روستای طولارود	۴۴
۱۹	سودابه وردی زاده	آرایشگر	دیپلم	هشتپر تالش	۴۳

تاریخ فرهنگ ایران
ناشر: دانشگاه تبریز
https://ihc.tabrizu.ac.ir/2, 2, 2025, 163-181. doi: 10.22034/IHC.2025.69140.1092

مقاله پژوهشی
OPEN ACCESS

۲۰	عباس فرجی	مغازه دار-دامدار	دیپلم	روستای اوله کری	۴۳
۲۱	خانم زهرا احمدی	خانه دار	دیپلم	روستای طولارود	۴۲
۲۲	خانم سمیه میرزایی	خانه دار	سوم راهنمایی	روستای طولارود	۴۱
۲۳	سیدسعید علوی راد	آرایشگر	دیپلم	روستای تازه آباد	۴۰
۲۴	شهاب تولی گیلانی	کشاورز-راهنمای تور	لیسانس	روستای طولارود	۳۹
۲۵	رضوان جهانگیری	آزاد- راهنمای تور	لیسانس	روستای طولارود	۳۹
۲۶	مریم‌برزگر(گیلان دخت تالشی)	گردشگری- شاعرونویسنده	فوق لیسانس	روستای تازه آباد	۳۸
۲۷	حسین نوری	کارشناس موزه	فوق لیسانس	رشت	۳۵
۲۸	فرحناز ضربی	خانه دار	دیپلم	روستای طولارود	۳۵
۲۹	ابراهیم مرتضایی	دامدار	بیسواد	روستای طولارود	۳۵
۳۰	عهدیه جان بیگی	دامدار	پنجم ابتدایی	روستای کیشه ویشه	۳۱
۳۱	پژمان سلیمانی	آزاد	دیپلم	روستای اوله کری	۲۴

تضاد منافع

بدین‌وسیله نویسنده اعلام می‌دارد که هیچ نفع متقابلی از انتشار این مقاله ندارد.

منابع

۱. ابوترابیان، فاطمه (۱۳۹۲)، بررسی سبک زندگی غربی، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، پژوهشکده باقرالعلوم(ع)، چاپ اول.
۲. آتشین صدف، عبدالرضا (۱۴۰۱)، نظریه پردازان سبک زندگی اندیشمندان غربی، تهران: انتشارات تیماس چاپ دوم.
۳. اسدیان سیروس، نیره حیدری کلجه (۱۴۰۱)، تاملی بر وضعیت سبک زندگی اسلامی - ایرانی دانشجویان دانشگاه شهید مدنی آذربایجان،نشریه مطالعات برنامه درسی آموزش عالی، پیاپی ۲۶، صص ۱۸۹ -۲۱۵.
۴. اصلاح عربانی، ابراهیم (۱۳۸۷)، کتاب گیلان، تهران:گروه پژوهشگران گیلان، جلد پنجم.
۵. افراسیابی، حسین، مرادی فر، طاهره (۱۳۹۴)، بازسازی معنایی تغییر سبک زندگی زنان لر شهر یاسوج، فصلنامه مطالعات اجتماعی روان شناختی زنان (مطالعات زنان سابق) – دانشگاه الزهرا (س)، پژوهشکده زنان – علمی پژوهشی سال ۱۳ شماره ۳ پیاپی ۴۴: ۹۸- ۷۷.
۶. انصاری، جمال (۱۳۹۱)، آشنایی با فرهنگ عامه و اقوام ایرانی، تهران: سبحان نور.
۷. بنت، اندی (۱۳۹۸)، فرهنگ و زندگی روزمره، مترجم لیلا جوافشانی، حسن چاوشیان تهران: نشر اختران، چاپ سوم.
۸. حیدری‌نیا، علی و دیگران (۱۳۹۴)، بررسی رابطه جامعه شناختی باورهای دینی و سبک زندگی اسلامی مطالعه موردی شهرستان زاهدان. همایش ملی هزاره سوم و علوم انسانی، شیراز خرداد۱۳۹۴.
۹. رحمانی، علی، سهرابی، سعدیه (۱۳۹۲)، سبک زندگی و دینداری، تهران: موسسه فرهنگی انتشارات نگاه بینه.
۱۰. شکوری، چنگیز (۱۳۸۲)، سیری در کوچ نشینان تالش، رضوانشهر: انتشارات آذرخزر.
۱۱. معلمی، عباس (۱۴۰۰)، رسانه و سبک زندگی، تهران: نشر سروش.
۱۲. الهی خراسانی، علی، عزیزی، علیرضا (۱۳۹۷)، سبک زندگی: مفهوم شناسی و نظریه‌ها، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
۱۳. وبلن،تورستین(۱۳۹۲)، نظریه طبقه تن آسا . ترجمه فرهنگ ارشاد. تهران: نشر نی،چاپ سوم.
14. Cambridge Dictionary (2023) England, Cambridge University Press.
15. *Etymology Dictionary".(2021) www.etymonline.com. Archived from the original on 2021.*

ناشر: دانشگاه تبریز
تاریخ فرهنگ ایران
https://ihc.tabrizu.ac.ir/2, 2, 2025, 163-181. doi: 10.22034/IHC.2025.69140.1092

مقاله پژوهشی
OPEN ACCESS

آوانگاری منابع

1. Abūtorābīān, F. (1392). *Barrasi-ye sabk-e zendegī-ye gharbī.* Tehran: Sāzmān-e Tablīghāt-e Eslāmī, Pazhūheshkadeh-ye Bāqer al-ʻOlūm (ʿA).
2. Ātashīn Ṣ., ʻA. R. (1401). *Nazariyeh-pardāzān-e sabk-e zendegī-ye andīshmandān-e gharbī.* Tehran: Enteshārāt-e Tīmās.
3. Asadīān, S., & Heydarī Kaljeh, N. (1401). *Tāmolī bar vazʻiyat-e sabk-e zendegī-ye Eslāmī-Irānī-ye dāneshjooyān-e Dāneshgāh-e Shahīd Madanī-ye Āzarbāyjān.* Nashrieh-ye Motāleʻāt-e Barnameh dar Silsileh-ye Āmozesh-e ʻĀli, 26, 189–215.
4. Eslāḥ ʻArabānī, E. (1387). *Ketāb-e Gīlān* (Vol. 5). Tehran: Goruh-e Pazhūheshgarān-e Gīlān.
5. Afrāsiyābī, H., & Morādī Far, T. (1394). *Bāzsāzī-ye maʻnāʼī-ye taghyīr-e sabk-e zendegī-ye zanān-e Lor-e Shahr-e Yāsūj.* Faslnāmeh-ye Motāleʻāt-e Ejtemāʻī va Ravān-shenākhtī-ye Zanān, 13(3), 77–98.
6. Anṣārī, J. (1391). *Āshenāʼī bā farhang-e ʻāme va oqvām-e Īrānī.* Tehran: Sobhan-e Nūr.
7. Bent, A. (1398). *Farhang va zendegī-ye rūzmarreh* (L. Jāvafshānī & H. Chāvoshīān, Trans.). Tehran: Nasher-e Akhtaran.
8. Heydarī-Nīā, ʻA., et al. (1394). *Barrasi-ye rabeteh-ye jāmeʻe-shenāsī-ye bāvarhā-ye dīnī va sabk-e zendegī-ye Eslāmī: Motāleʻeh-ye moredī-ye Shahr-e Zāhedān.* Hamāyesh-e Mellī-ye Hezāreh-ye Sevom va Olūm-e Ensānī, Shirāz, Khordād 1394.
9. Rahmānī, ʻA., & Sohrābī, S. (1392). *Sabk-e zendegī va dīndārī.* Tehran: Moʼasseseh-ye Farhangī, Enteshārāt-e Negāh-e Bīneh.
10. Shokūrī, Ch. (1382). *Sīrī dar Kūch-neshīnān-e Tālesh.* Rezvānshahr: Enteshārāt-e Āzar-Khazar.
11. Moʻallemī, ʻA. (1400). *Resāneh va sabk-e zendegī.* Tehran: Nashr-e Sorūsh.
12. Elahī Khorāsānī, ʻA., & ʻAzīzī, ʻA. (1397). *Sabk-e zendegī: Mafhūm-shenāsī va nazariyeh-hā.* Mashhad: Bonyād-e Pazhūheshhā-ye Eslāmī.
13. Veblen, T. (1392). *Nazariyeh-ye tabagheh-ye tan-āsā* (F. Ershād, Trans.). Tehran: Nashr-e Nī.
14. Cambridge Dictionary. (2023). Cambridge, England: Cambridge University Press.
15. Etymology Dictionary. (2021). *www.etymonline.com.* Archived from the original on 2021.